

# چارسوگ

۲۷

رهبر انقلاب در دیدار با مداحان تبیین کردند

## لزوم تغییر آرایش رسانه‌ای در برابر تلاش دشمن

رهبر انقلاب در دیدار با هزاران نفر از مداحان و ستایشگران اهل بیت (ع) بر لزوم تغییر آرایش تبلیغاتی و رسانه‌ای در برابر تلاش دشمن برای تسخیر دل‌ها و مغزها تاکید کردند. «امروز فراتر از درگیری نظامی که شاهدش بودیم، در «کانون یک جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای» با جبهه وسیع دشمن قرار داریم؛ چرا که دشمن فهمیده است این ملک و خاک و سرزمین الهی و معنوی، با فشار نظامی تسلیم و تصرف نمی‌شود.»



۲۷

دردنامه صمصامی خطاب به مردم

## دولت چهاردهم جز گران کردن چیزی بلد نیست

دکتر حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، در نامه‌ای به خطاب به مردم از سیاست‌های ارزی دولت انتقاد کرد. در نامه دکتر صمصامی آمده است:

### دردنامه یک نماینده مجلس با مردم ایران

مردم شریف ایران، می‌دانیم که با تورم‌های سنگین دست به گریبانید و روز به روز سفره‌های شما کوچک‌تر از دیروز می‌شود. می‌دانیم از دست مسئولان کشور خشمگین و ناراضی هستید. حق دارید. وقتی این دولت محترم هم مثل دولت‌های قبل، جز گرانشازی ارز و انرژی و ایجاد تورم، کار دیگری بلد نیست، وقتی با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس، بودجه‌های سالانه با نرخ بالاتر از نرخ ارز رسمی تصویب می‌شود و به جامعه پیام ارسال می‌کند که نرخ ارز باید افزایش یابد، وقتی سهم ارز دارو و کالاهای اساسی شما مردم در بودجه سال به سال کاهش می‌یابد، وقتی سران قوا دور یک میز نشستند و حذف ارز ۲۸۵۰۰ را تصویب می‌کنند و وعده کالابری را می‌دهند که حتی یک‌دهم تورم حاصله را پوشش نمی‌دهد، وقتی بانک مرکزی سکه‌های طلا را به نرخ بازار آزاد قاچاق منتشر می‌کند و به این بازار جعلی و ویرانگر رسمیت می‌بخشد و یا با راه‌اندازی تالارهای گوناگون ارز، مدام ارزش پول ملی را برخلاف فرمایشات رهبری تضعیف می‌کند، وقتی هیچ نظارتی بر حکمرانی ارزی و رقبای پول ملی در کشور وجود ندارد، وقتی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از ارزهای صادراتی به چرخه رسمی کشور بر نمی‌گردد و نهادهای امنیتی و نظارتی ورود جدی نمی‌کنند، خوب طبیعی است که وضع معیشت ما و شما مردم عزیز روز به روز بدتر و بدتر شود.





رهبانقلاب در دیدار با مداحان تبیین کردند؛

## لزوم تغییر آرایش رسانه‌ای در برابر تلاش دشمن

ارزش‌های انقلاب تبدیل کنند و با قدردانی از اقبال نسل جوان به مداحی و هیأت، این نسل عزیز را در مقابل اهداف دشمن لجوج و خبیث و دارای امکانات، مصون نمایند. رهبر انقلاب سخنانشان را با چند توصیه به مداحان تکمیل کردند: تبیین معارف دینی و معارف مبارزاتی با تکیه و استناد به زندگی همه ائمه هدی (ع)، حمله به نقاط ضعف دشمن به موازات دفاع موثر در مقابل شبهه‌آفرینی های او، تبیین مفاهیم قرآنی در عرصه‌های مختلف «شخصی، اجتماعی، سیاسی و چگونگی رویارویی با دشمن» از مهمترین این توصیه‌ها بود. ایشان تأثیر یک نوحه خوش ساخت و خوش مضمون را گاهی بیشتر از چند منبر و سخنرانی خواندند و گفتند: مداحان مراقب باشند آهنگ‌ها و فرهنگ دوران طاغوت در مجالس و محافل آنها راه پیدا نکند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پایان سخنانشان با اشاره به سخنان یکی از مداحان درباره مشکل گرد و غبار خوزستان گفتند: این، از جمله کوچک‌ترین مشکلات است و کمبودها و مشکلات در سراسر کشور زیاد است اما ملت روز به روز با ایستادگی، صدق و صفا و خیرخواهی و عدالت‌خواهی، برای اسلام و ایران آبرو و قدرت ایجاد می‌کند و به توفیق الهی، کشور در حال حرکت، تلاش و پیشرفت است. در ابتدای این دیدار یازده نفر از ستایشگران اهل بیت (ع) به شعرخوانی و مدیحه‌سرایی پرداختند.

امروز فراتر از درگیری نظامی که شاهدش بودیم، در «کانون یک جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای» با جبهه وسیع قرار داریم؛ چراکه دشمن فهمیده است این مُلک و خاک و سرزمین الهی و معنوی، با فشار نظامی تسلیم و تصرف نمی‌شود.

ایشان افزودند: البته برخی مرتب احتمال تکرار درگیری نظامی را مطرح می‌کنند و بعضی هم عامدانه در این موضوع می‌دمند تا مردم را دل به شک نگه دارند و دلهره ایجاد کنند که آن شاءالله موفق هم نمی‌شوند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «خط و خطر و هدف دشمن» را محو آثار، اهداف و مفاهیم انقلاب و فراموش شدن یاد امام خمینی (ره) دانستند و افزودند: آمریکا در مرکز این جبهه‌ی وسیع و فعال قرار دارد، برخی کشورهای اروپایی در اطراف او هستند و مزدوران و خائن‌ها و بی‌وطن‌هایی هم که در اروپا تلاش می‌کنند به نان و نوایی برسند، در حاشیه این جبهه قرار دارند.

ایشان شناخت اهداف و «آرایش دشمن» را ضروری برشمردند و گفتند: مانند جبهه نظامی، در این درگیری تبلیغاتی و رسانه‌ای نیز باید آرایش خود را متناسب نظم و طرح و هدف دشمن تعریف و بر نقاطی متمرکز کنیم که او هدف گرفته است، یعنی «معارف اسلامی، شیعی و انقلابی».

رهبر انقلاب، ایستادگی در مقابل جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای غرب را دشوار اما کاملاً ممکن دانستند و گفتند: در این مسیر، مداحان، هیأت‌ها را به کانون‌یابیندی به

نسبت به گذشته، مداحی را از پایگاه‌های ادبیات مقاومت خواندند و افزودند: هر قدری امری در صورت نداشتن ادبیات متناسب، به تدریج از بین می‌رود و مداحی و هیأت، امروز با تدوین، گسترش و انتقال ادبیات مقاومت، این ضرورت بسیار اساسی را تقویت می‌کند.

رهبر انقلاب «مقاومت ملی» را «تاب‌آوری و ایستادگی در مقابل انواع فشارهای سلطه‌گران» تعریف کردند و افزودند: گاهی فشار، نظامی است؛ مانند آنچه ملت در دفاع مقدس دید و در ماه‌های گذشته جوانان و جوانان هم مشاهده کردند- و گاهی هم فشار اقتصادی یا رسانه‌ای و فرهنگی و سیاسی است.

رهبر انقلاب، هوچی‌گری و جوسازی عوامل رسانه‌ای و مقامات سیاسی-نظامی غرب را نشانه فشار تبلیغی دشمن خواندند و گفتند: هدف فشارهای مختلف نظام سلطه بر ملت‌ها و در رأس آنها ملت ایران، گاهی توسعه‌طلبی سرزمینی است؛ مانند آنچه امروز دولت آمریکا در آمریکای لاتین انجام می‌دهد.

ایشان افزودند: گاهی نیز تسلط بر منابع زیرزمینی هدف است و برخی مواقع هم تغییر سبک زندگی و مهمتر از همه، «تغییر هویتی» هدف اصلی فشارهای سلطه‌گران است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به قدمت بیش از صد ساله تلاش‌های زورگویان جهانی برای تغییر هویت «دینی، تاریخی و فرهنگی» ملت ایران، گفتند: انقلاب اسلامی همه آن کارها را بی‌نتیجه گذاشت و در دهه‌های اخیر، نیز، ملت با تسلیم‌ناپذیری و ایستادگی و پایداری در مقابل ادامه فشارهای گسترده دشمنانش، آنها را ناکام کرده است.

ایشان گسترش مفهوم و ادبیات مقاومت از ایران به کشورهای منطقه و برخی کشورهای دیگر را یک واقعیت خواندند و افزودند: برخی کارهایی که دشمن با ایران و ملت ایران کرد، با هر کشور دیگری می‌کند، آن ملت و کشور گن‌فیکون می‌شدند.

رهبر انقلاب با اشاره به تأثیرزینی مداحی در ماندگار شدن یاد شهیدان و تعمیق و گسترش مفهوم مقاومت در کشور، گفتند:

گزارش

رهبر انقلاب در دیدار با هزاران نفر از مداحان و ستایشگران اهل بیت (ع) بر لزوم تغییر آرایش تبلیغاتی و رسانه‌ای در برابر تلاش دشمن برای تسخیر دل‌ها و مغزها تأکید کردند. روز پنجشنبه ایران اسلامی در سالروز میلاد پربرکت حضرت فاطمه زهرا (س)، سراسر نور و سرور و شادمانی بود. به همین مناسبت در حسینیه امام خمینی (ره) نیز در حضور رهبر انقلاب اسلامی و هزاران نفر از محبان اهل بیت (ع)، مراسم پرشور مدیحه‌سرایی، شعرخوانی و منقبت سیده‌النساء العالمین برگزار شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این مراسم که حدود سه ساعت طول کشید، با تبریک ولادت حضرت صدیقه طاهره (س) گفتند: مردم ایران با مقاومت ملی، تلاش‌های مستمر دشمن برای تغییر هویت دینی، تاریخی و فرهنگی، این ملت را ناکام گذاشته‌اند و امروز نیز ضمن ضرورت آرایش یافتن صحیح دفاعی و هجومی در مقابل فعالیت تبلیغاتی و رسانه‌ای دشمن برای حمله به «مغزها، دل‌ها و باورها»، ایران عزیز را وجود مشکلات و کمبودهای موجود در سراسر کشور، به حرکت رو به جلوی خود ادامه می‌دهد.

رهبر انقلاب با گرامی‌داشت تقارن ولادت امام خمینی (ره) با میلاد حضرت فاطمه زهرا (س)، فضائل و مناقب بانوی دو عالم را فراتر از فهم و درک بشر خواندند و افزودند: با این همه باید فاطمی بود و از آن بانوی اسوه در همه جهات از جمله نین داری، عدالت خواهی، جهاد تبیین، همسرداری، فرزندپروری و دیگر زمینه‌ها پیروی کرد.

ایشان، مداحی را یه‌یاده‌ای بسیار تأثیرگذار برشمردند و افزودند: لازم است با تحقیق و پژوهش به عمق یابی، آسیب‌شناسی و جستجوی راه‌های تقویت و تکامل ایجاد مختلف این پدیده حیرت‌انگیز پرداخت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به حرکت رو به جلوی مداحی

خبر



### سود ۲۷۰۰ میلیارد تومانی اسپانسر ((ماراتن کیش)) از گرانی دلار

سرگرم شدن ۵ هزار نفر با وام ۲۰ میلیون تومانی بانک سامان در ماراتن کیش در حالی است که این بانک هر سال از فروش ارز چند هزار میلیارد تومان سود می‌کند.

به گزارش فارس؛ بررسی صورت‌های مالی بانک سامان نشان می‌دهد در شش ماهه ابتدای امسال بیش از ۱۸۰۰ میلیارد تومان از محل خرید و فروش ارز سود کرده است. با اضافه شدن سود شرکت‌های زیرمجموعه این بانک خانوادگی از فروش ارز، این رقم به ۲۷۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. شرایط فعلی ارز را می‌تواند این رقم را تا پایان سال دو برابر کند. چند روز پیش این بانک به افرادی که در ماراتن کیش شرکت می‌کردند وام ۲۰ میلیونی با سود ۲۳ درصد پرداخت کرده بود. تعداد افرادی که در ماراتن کیش شرکت کرده بودند ۵ هزار نفر بودند، در حالی که ۹۰ میلیون نفر از گرانی ارز که این بانک هم ذینفع آن است، متأثر می‌شوند. محسن زنگنه عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس می‌گوید که «بانک‌ها تنها مجموعه‌ای هستند که از تورم سود می‌برند و هیچ وقت ضرر نمی‌کنند». سود این بانک از محل معاملات ارزی از حدود ۴۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ شروع شده و در سال‌های بعد به‌طور پیوسته افزایش یافته، به‌طوری‌که در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۲۲۰۰ میلیارد تومان رسیده؛ رقمی که ۴۰ درصد کل سود بانک از فعالیت‌های مختلف است.



### شکستن قفل انحصار زمین برای عبور از بن بست تورمی مسکن

زمزمه‌های حذف ماده ۵ قانون برنامه هفتم و شانه خالی کردن از تکلیف عرضه زمین، مصداق بارز پاک کردن صورت مسئله گرانی مسکن است که تداوم آن تنها به سود مختصران و تعمیق فقر سکونتی خواهد انجامید. گروه اقتصادی خبرگزاری فارس؛ اقتصاد مسکن در ایران سال‌هاست که در دایره بسته‌ای از سیاست‌های تکراری و ناکارآمد گرفتار شده است. بررسی‌های کارشناسی و تحلیل داده‌های دو دهه اخیر نشان می‌دهد که پاشنه آشیل بازار مسکن، نه کمبود سیمان و فولاد، بلکه «کمیابی مصنوعی زمین» است. در حالی که ایران با داشتن پهنه‌های وسیع جغرافیایی، یکی از کشورهای مستعد برای توسعه افقی شهرها محسوب می‌شود، سیاست‌های انقباضی در تعیین محدوده شهرها باعث شده است تا «زمین» به کالایی نایاب و لوکس تبدیل شود. در چنین شرایطی، ماده ۵ قانون برنامه هفتم پیشرفت که بر الحاق اراضی جدید و شکستن انحصار زمین تأکید دارد، نه یک پیشنهاد، بلکه تنها راه تنفس برای این بازار خفه‌شده است. اخیراً اخباری مبنی بر تلاش برخی بدنه اجرایی برای حذف یا تضعیف این ماده قانونی به گوش می‌رسد که از منظر پژوهشی،

زنگ خطری جدی برای آینده سکونتی کشور است. وقتی سهم زمین در قیمت تمام‌شده مسکن در کلان‌شهرها به بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد می‌رسد، صحبت از کنترل قیمت مسکن بدون حل معضل زمین، آب در هاون کوبیدن است. دولت‌ها در ادوار مختلف تلاش کرده‌اند با اعطای تسهیلات بانکی یا امداد خله در قیمت‌گذاری مصالح، تورم مسکن را مهار کنند، اما چون متغیر اصلی یعنی «زمین» را نادیده گرفته‌اند، تمامی این طرح‌ها با شکست مواجه شده است. ماده ۵ برنامه هفتم با هدف گذاری الحاق ۳۳ هزار هکتار زمین به محدوده‌های سکونتی، در واقع یک تغییر پارادایم از «تراکم‌فروشی و شهرسازی عمودی» به «توسعه افقی و مردمی‌سازی مسکن» است. مخالفت باین ماده و تلاش برای حذف تکلیف دولت در این حوزه، به معنای پذیرش وضعیت موجود است؛ وضعیتی که در آن زمین‌خواران و ملکان بزرگ با احتکار اراضی، نبض بازار را در دست گرفته‌ و اجازه کاهش قیمت‌ها را نمی‌دهند. حذف این ماده قانونی، پیام روشنی به بازار مخابره می‌کند: «قرار نیست عرضه زمین افزایش یابد». همین سیگنال کافی است تا انتظارات تورمی بار دیگر شعله‌ور شده و امید خانوارهای روستایی به مسکن ارزان قیمت ناامید شود. از سوی دیگر، باید توجه داشت که کندی در اجرای قانون و عدم تحقق الحاق اراضی طی سال‌های اخیر، خود یکی از دلایل اصلی رکود تورمی فعلی است. به جای آنکه دستگاه‌های متولی به دنبال راهکاری برای تسریع در شناسایی و الحاق اراضی باشند، به نظر می‌رسد برخی به دنبال حذف صورت مسئله هستند. استدلال‌هایی نظیر کمبود زیرساخت بانگنارگی از گسترش بی‌رویه شهرها، اگرچه روی کاغذ قابل تأمل هستند، اما در برابر بحران حاد «بی‌مسکنی» و «بد مسکنی» که میلیون‌ها ایرانی را رنج می‌دهد، رنگ می‌بازند. تجربه جهانی نشان داده است که با مدیریت صحیح و آمایش سرزمین، می‌توان توسعه افقی شهرها را با کمترین هزینه زیرساختی محقق کرد. مسکن‌سازی دولتی در قالب انبوه‌سازی متمرکز، بارها ناکارآمدی خود را به دلیل طولانی شدن زمان ساخت و هزینه‌های سرپایان نشان داده است. در مقابل، مدل واگذاری زمین به مردم برای ساخت خودمالکی، سریع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش تولید مسکن است؛ اما پیش شرط این مدل، وجود زمین است. ماده ۵ دقیقاً همین گلوگاه را هدف گرفته است. اگر دولت ملزم به عرضه زمین نباشد، عملاً انحصار ساخت‌وساز در دست اقلیتی خاص باقی می‌ماند و مردم عادی توان ورود به عرصه ساخت را نخواهند داشت. در نهایت باید تصریح کرد که مقاومت در برابر اجرای قانون جهش تولید مسکن و احکام برنامه هفتم، تنها یک اهمال‌داری نیست، بلکه خطایی استراتژیک است که امنیت روانی و اقتصادی جامعه را هدف می‌گیرد. نهاد قانون‌گذار باید با قاطعیت در برابر هرگونه تلاش برای تضعیف این مواد قانونی ایستادگی کند. حل بحران مسکن فرمول پیچیده‌ای ندارد: انحصار زمین را بشکنید، عرضه را متناسب با تقاضا افزایش دهید و اجازه دهید مردم خودشان خانه‌هایشان را بسازند. هر مسیری غیر از این، تکرار اشتباهات گذشته و درد دادن منابع ملی خواهد بود. حذف ماده ۵، یعنی بستن تنها پنجره امید برای تعادل بخشی به بازار مسکن و تسلیم شدن در برابر مافیای زمین.

### وزارت جهاد، سازمان تعزیرات و سازمان حمایت مقصران گرانی گوشت

نایب رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس گفت: سه مجموعه وزارت جهاد کشاورزی، سازمان تعزیرات حکومتی، مسئول نظارت بر مصرف‌کننده و سازمان تعزیرات حکومتی، مسئول نظارت بر قیمت گوشت هستند، کوتاهی نظارتی این سه دستگاه موجب ایجاد اختلاف در قیمت گوشت از دامداری و کشتارگاه تا قصابی شده است. علیرضا عباسی، نایب رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سؤال که به چه دلیل قیمت گوشت دام زنده و گوشت مصرفی در بازار، فاصله بسیار زیادی دارد؟ اظهار داشت: در محصولات کشاورزی، یک سمت تولید است و توجه به تولیدکننده، مسئله حیاتی است. قیمت باید به گونه‌ای تعیین شود که برای تولیدکننده به صرفه باشد و رغبت به تولید ایجاد شود. متأسفانه گاهی سخت‌گیری‌هایی وجود دارد که تولیدکنندگان از آن گلایه دارند، زیرا با قیمت پایین و اگر گوشت در برخی مناطق مانند بالاشهر تهران با قیمتی برای این وضعیت وجود دارد اما حمایت و تقویت سمت تولیدکننده باید اولویت اصلی باشد.

عباسی ادامه داد: گاهی اوقات در تعیین قیمت‌ها در شورای قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی یا سازمان حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده و سازمان تعزیرات حکومتی، مسئول نظارت بر قیمت گوشت هستند، کوتاهی نظارتی این سه دستگاه موجب ایجاد اختلاف در قیمت گوشت از دامداری و کشتارگاه تا قصابی شده است. علیرضا عباسی، نایب رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سؤال که به چه دلیل قیمت گوشت دام زنده و گوشت مصرفی در بازار، فاصله بسیار زیادی دارد؟ اظهار داشت: در محصولات کشاورزی، یک سمت تولید است و توجه به تولیدکننده، مسئله حیاتی است. قیمت باید به گونه‌ای تعیین شود که برای تولیدکننده به صرفه باشد و رغبت به تولید ایجاد شود. متأسفانه گاهی سخت‌گیری‌هایی وجود دارد که تولیدکنندگان از آن گلایه دارند، زیرا با قیمت پایین و اگر گوشت در برخی مناطق مانند بالاشهر تهران با قیمتی برای این وضعیت وجود دارد اما حمایت و تقویت سمت تولیدکننده باید اولویت اصلی باشد.



اوضاع اقتصادی کشور را به این اوضاع ناپسامان ختم کرده‌اند. ملت شریف ایران، بدانند ما در بن بست نیستیم. راه وجود دارد و به آینده امیدواریم. اگر دولت و سران قوا گوش کنند، به سرعت اوضاع اقتصادی کشور تغییر خواهد کرد. شما هم رفتار و گفتار نمایندگان حوزه انتخاباتی خود را رصد کنید. در انتخابات بعدی به نمایندگانی رای دهید که منافع ملی و سفره و معیشت شما در اولویت آنها باشد، نه حفظ منافع شخصی یا حمایت از سیاست‌های غلط ملت گران کردن ارز، فقیر کردن و له کردن منزلت شما مردم شریف و تک‌های کالاگر دادن! ماکتوری با منابع و ثروت‌های سرشار خدادادی و سرمایه‌های انسانی فوق العاده هستیم. راه وجود دارد، با سران قوا به این توصیه‌ها گوش خواهند داد یا سرانجام راهی خواهیم ساخت ... خادم مردم شریف ایران؛ حسین مصصامی

توان در صحن، هشدار و تذکر می‌دهیم و مرتب برکه‌های رصد قیمت را بین نمایندگان محترم توزیع می‌کنیم تا از اوضاع اقتصادی کشور و ریشه تورم آگاه شوند، همچنین با همراهی برخی نمایندگان عزیز چندین نامه به شخص رئیس جمهور محترم و معاون اول دولت نوشته و راهکار عملی و اجرایی برای بهبود معیشت شما مردم ارائه می‌کنیم، اما افسوس که گوش شنوایی نیست و از این بابت از شما مردم شرمندهام!

با این حال همچنان تلاش می‌کنیم از ابزارهای قانونی مثل نطق، سوال از وزرا، استیضاح، ارائه طرح‌های پیشنهادی مثل «طرح تقویت پول ملی و سرمایه‌گذاری برای تولید» و سایر روش نقدینگی است. برخی دیگر عامل اصلی را نرخ بهره می‌دانند و بنده نیز ریشه این نابسامانی‌ها را سیاست‌های غلط ارزی، یله و رها بودن نظام ارزی کشور و برخی قوانین غلط می‌دانم که منجر به دل‌زیزه شدن اقتصاد ملی و ضعف حاکمیت پول ملی شده است و کسری بودجه و ناترازی در بانک‌ها و بهره بانکی را معلول این سیاست‌های غلط می‌دانم. البته متأسفانه آنچه که در سیاستگذاری‌های کلان کشور از سال ۱۳۹۶ تاکنون غلبه داشته، نگاه اول است که همراه با دولت، دلیل تورم را عمدتاً نقدینگی و کسری بودجه می‌داند و متأسفانه با مشغول شدن به معلول و دادن آدرس غلط،

دکتر حسین مصصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، در نامه‌ای به خطاب به مردم از سیاست‌های ارزی دولت انتقاد کرد.

در نامه دکتر مصصامی آمده است:

درنامه یک نماینده مجلس با مردم ایران مردم شریف ایران، می‌دانیم که تورم‌های سنگین دست به گریبانیدی روز به روز سرفه‌های شما کوچک‌تر از دیزوی می‌شود. می‌دانیم از دست مسئولان کشور خشمگین و ناراضی هستید. حق دارید.

وقتی این دولت محترم هم مثل دولت‌های قبل، جز گرانسازي ارز و انرژي و ايجاد تورم، کار دیگری بلد نیست، وقتی با پیشنهادهای دولت و تصویب مجلس، بودجه‌های سالانه با نرخی بالاتر از نرخ ارز رسمی تصویب می‌شود و به جامعه پیام ارسال می‌کند که نرخ ارز باید افزایش یابد، وقتی سهم ارز دارو و کالاهای اساسی شما مردم در بودجه سال به سال کاهش می‌یابد، وقتی سران قوا دور یک میز نشسته و حذف ارز ۲۸۵۰۰ را تصویب می‌کنند و وعده کالاگرگی را می‌دهند که حتی یک دهم تورم حاصله را پوشش نمی‌دهد، وقتی بانک مرکزی سکه‌های طلا را به نرخ بازار آزاد قاچاق منتشر می‌کند و به این بازار جعلی و ویرانگر رسمیتی بخشند و با راه‌اندازی تالارهای گوناگون ارز، مدام ارزش پول ملی را بر خلاف فرمایشات رهبری تضعیف می‌کنند، وقتی هیچ نظارتی بر حکم‌رانی ارزی و رقابت پول ملی در کشور وجود ندارد، وقتی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از ارزهای صادراتی به چرخه رسمی کشور برنمی‌گردد و نهاد‌های امنیتی و نظارتی ورود جدی نمی‌کنند، خوب طبیعی است که وضع معیشت ما و شما مردم عزیز روز به روز بدتر و بدتر شود.

ما از اعتراضات معیشتی شما جلوی مجلس، جلوی وزارت بهداشت برای دارو، جلوی وزارت جهاد برای دریافت نهاده دام و طیور آگاه هستیم و به شما حق می‌دهیم. اگر اخبار مجلس را دنبال کرده باشید، شاهدید که با تمام

## جلسات شورای عالی مسکن متوقف شد



**جلسات شورای عالی مسکن متوقف شد**

عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفت: تیم اقتصادی دولت برنامه‌ای برای بهبود معیشت مردم ندارد و بیشتر به مباحث سیاسی و دوقطبی سازی مشغول است، در دولت قبل بیش از ۱۸ جلسه شورای عالی مسکن برگزار شد، اما در دولت فعلی در طول یک سال و چند ماه، فقط دو جلسه تشکیل شد که یکی از آن‌ها با حضور رئیس جمهور بود.
مجتبی یوسفی ، عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت توجه به تأمین مسکن دهک‌های پایین جامعه، اظهار داشت: تجربه‌های موفق دنیا و حتی ایران در دهه ۶۰ را ببینید؛ در آن دوران، با وجود اداره کشور در شرایط جنگ، نه مشکلات اقتصادی به این شدت وجود داشت و نه بحران مسکن. مهم‌ترین دلیل این بود که زمین از حالت انحصار خارج شده بود.
ما در استدلال‌های خود در مواد ۱۰ و ۱۱ قانون جهش تولید و همچنین ماده ۵۰ برنامه هفتم تصریح کرده بودیم که زمین باید از انحصار دولت خارج شود و زمین رایگان یا ارزان قیمت در اختیار مردم قرار گیرد. همچنین باید امکان الحاق زمین به شهرها و روستاها فراهم می شد که معادل ۳۲۰ هزار هکتار بود.
وی افزود: تیم اقتصادی دولت برنامه‌ای برای بهبود معیشت مردم ندارد و بیشتر به مباحث سیاسی و دوقطبی سازی مشغول است، این در حالی است که وظایف بزرگی داریم، تعهدات مشخصی در حوزه وجود دارد و حدود یک میلیون واحد، متقاضیانی دارد که از ۳۰ تا ۵۰ میلیون تومان پرداخت کرده‌اند. یک میلیون نفر دیگر نیز منتظر هستند، طرح‌هایی مانند جوانی جمعیت، واگذاری زمین به اینگران، کارگران، بازنشستگان، معلمان و کارمندان وجود دارد، اسناد مربوط به ساخت دو میلیون واحد وجود دارد، از جمله مسکن روستایی، مسکن آشپار ضعیف و متوسط، بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی که بخشی از آن به ماده ۴۶ برنامه یازمی گشت. یوسفی گفت: با تغییر دولت، هرچند اقداماتی در حوزه مسکن آغاز شد اما اکنون کار تقریباً تعطیل شده است، بخشی از مشکلات البته بین بخشی است و فقط به وزارت راه مربوط نمی شود. در دولت سیزدهم دست کم هر ماه یک جلسه درباره این موضوع تشکیل می شد (شورای عالی مسکن) و مجموعاً بیش از ۱۸ جلسه برگزار شد اما اکنون در طول یک سال و چند ماه، فقط دو جلسه تشکیل شده که یکی از آن‌ها با حضور رئیس جمهور بوده است. به گفته وی برخی مسئولان ، چون خودشان یا خانواده‌شان مستأجر نیستند، درکی از شرایط ندارند. با حقوق ۱۵ تا ۱۵ میلیون تومان و نهایی ۲۰ میلیون تومان، یک کارمند، بازنشسته، معلم یا کارگر نمی تواند زندگی را اداره کند و این موضوع کاملاً روشن است. وی تأکید کرد: به همین دلیل، خط قرمز مجلس اصلاح قوانینی است که تصویب شده است. دولت درخواست کرده برخی از مواد کاهش یابد؛ ابتدا گفتند که برنامه ما، برنامه هفتم است اما بعد درخواست حذف برخی احکام را مطرح کردند؛ از جمله حذف ماده ۵۰ درباره الحاق و تخصیص زمین. عدم اجرای مواد ۱۰ و ۱۱ قانون جهش تولید، عدم اجرای ماده ۴ درباره پرداخت سالانه ۲۰ درصد تسهیلات و پرداخت نشدن وام ودیعه وام خرید. این‌ها اتفاقاتی است که متأسفانه در حال وقوع است و مجلس به همین دلیل بروموضع خود ایستاده و آن را مطالبه می کند. نماینده مردم اهواز در مجلس تصریح کرد: بخشی از گلايه‌های مردم این است که می‌گویند پیگیری‌ها انجام می‌شود اما نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. اخیراً بازدیدی از پروژه‌های مسکن حمایتی کرگان و اهواز داشتیم. مردم می‌گفتند پنج سال است که پلان‌تکلیفیم؛ تا دیرپروز مستأجر بودیم، امروز به‌کار شده‌ایم و هنوز خانه‌ای برای ما ساخته نشده است؛ این واقعیتی است که انتظار داریم برای آن اقدام عملی صورت گیرد، در غیر این صورت، مجلس ناچار است از ابزار نظارتی خود استفاده کند.

### رویای اخذ مالیات از خانه‌های خالی در بن بست سامانه املاک

ناتوانی سامانه ملی املاک و اسکان در تکمیل داده‌های سکوتی پس از چهار سال، اجرای قانون مالیات بر خانه‌های خالی را متوقف کرده و ضرورت گذار به مالیات سالانه املاک‌اثر است. بررسی وضعیت بازار مسکن و سیاست‌های مالیاتی مرتبط با آن در ایران، پرده از یک شکاف عمیق میان «قانون‌گذاری» و «قابلیت اجرا» برمی‌دارد. قانون مالیات بر خانه‌های خالی که با هدف افزایش عرضه مسکن و کنترل سوداگری تصویب شد، اکنون در ایستگاه فقدان اطلاعات متوقف مانده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ریشه اصلی این ناکاهی، نه در نبود اراده سیاسی، بلکه در معماری معیوب جمع‌آوری داده‌ها و نتایج بیش از حد به روش‌های منسوخ‌ی مانند خوداظهاری است. سامانه ملی املاک و اسکان که قرار بود به عنوان «چشم‌بینی» دولت در بازار مسکن عمل کند، پس از گذشت بیش از چهار سال هنوز از نایبایی مزمن رنج می‌برد. اگرچه ثبت‌اطلاعات ۱۴ میلیون کد پستی دستاورد آرمی محسوب می‌شود، اما تحلیل کفیی این داده‌ها نشان می‌دهد که بخش عمده‌ان مربوط به اقامتگاه‌های اصلی شهروندان قانون‌مدار است. به بیان دیگر، تور اطلاعاتی دولت تنها ماهی‌های کوچک و شفاف را صید کرده است، در حالی که نهنگ‌های بازار مسکن و معترکان املاک که صاحبان اصلی خانه‌های خالی و اقامتگاه‌های فرعی هستند، به راحتی از حفره‌های این تور عبور کرده‌اند. اشتباه راهبردی در طراحی این سامانه، تصور ساده‌انگازانه از رفتار اقتصادی مالکان بود. سیاست‌گذار انتظار داشت افرادی که با احتکار مسکن به دنبال سودهای کلان نوبعی هستند، داوطلبانه وارد سامانه شده و با ثبت املاک خالی خود، خود را در معرض جریمه‌های سنگین مالیاتی قرار دهند. این رویکرد خوش بینانه باعث شد تا راستی‌آزمایی داده‌ها به چالش‌ی لاینحل تبدیل شود. زمانی که مبنای تشخیص خالی بودن» خانه، صرفاً تقاطع گیری ناقص داده‌های انرژی با خوداظهاری باشد، نتیجه‌ان ارسال پیام‌های اشتباه به شهروندان عادی و ایجاد نارضایتی عمومی است، در حالی که معترکان واقعی در سایه امن نبود شفافیت به فعالیت خود ادامه می‌دهند. از سوی دیگر، جزیره‌ای عمل کردن دستگاه‌های اجرایی، یا شنه آشیل دیگران یی طرح است. در عصر حکمرانی داده‌محور، پذیرفته نیست که سازمان ثبت اسناد، شهرداری‌ها، شرکت پست و وزارت نیرو، هر کدام داده‌های ملکی و سکوتی را در سیلوهای جداگانه حبس کنند. فقدان یک پروتکل تبادل داده‌ی آتی و یکپارچه، باعث شده تا وزارت راه و شهرسازی برای شناسایی وضعیت سکونت، به روش‌های سنتی و استعلام‌های زمان بر متوسل شود. تا زمانی که «داده» به عنوان یک دارایی ملی و مشترک میان دستگاه‌ها به گردش در نیاید، هیچ سامانه هوشمندی شکل نخواهد گرفت. فراتر از بحث مالیات‌ستانی، خطر بزرگ‌ترین خلاء اطلاعاتی، کور شدن سیستم برنامه‌ریزی مسکن کشور است. داده‌های سامانه املاک و اسکان، تنها ابزار اخذ مالیاتی نیست؛ بلکه زیربنای مدیریتی پاره انرژی، برنامه‌ریزی برای ساخت مدارس، توسعه زیرساخت‌های شهری و مدیریت بحران است.

Charsoogh newspaper

■ شنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۴ ■ سال دوم ■ شماره ۳۴۸

نبض اقتصاد

را در دست بگیرید



### چارسوق از اختلال انرژی در شهرک‌های صنعتی و صنایع بالادستی گزارش می‌دهد

# صنعت در محاصره ناترازی انرژی

### گزارش

طی روزهای اخیر، جریسان گاز در بخش قابل توجهی از

واحدهای صنعتی کشور، به‌ویژه صنایع بالادستی و مستقر در شهرک‌های صنعتی، با به‌طور کامل قطع شده یا با افت محسوس فشار روبه‌رو بوده است؛ محدودیتی که در عمل، تولید را در یکی از حساس‌ترین مقاطع سال با اختلال جدی مواجه کرده و زنجیره عرضه و تقاضای بسیاری از کالاهای واسطه‌ای و نهایی را تحت تأثیر قرار داده است. گزارش‌های میدانی از شهرک‌های صنعتی اطراف کلان‌شهرها و قطب‌های صنعتی کشور نشان می‌دهد بخشی از واحدها در وضعیت توقف کامل قرار گرفته‌اند و بخشی دیگر ناچار به فعالیت با حداقل ظرفیت شده‌اند؛ وضعیتی که خطر کاهش تولید، تأخیر در تحویل سفارش‌ها و افزایش هزینه تمام‌شده را تشدید کرده است.

این محدودیت‌ها در حالی اعمال شده که هنوز در ابتدای فصل سرد قرار داریم و شدت بردودت هوا هنوز به نقطه اوج مصرف خانگی نرسیده است. با این حال، صنایع بزرگ و بالادستی در عمل نخستین قربانیان تعدیل مصرف شده‌اند؛ تجربه‌ای که پیش‌تر در تابستان با قطع برق صنایع تکرار شد و اکنون، با تغییر فصل، همان الگوهای بار در قالب محدودیت گاز در حال بازتولید است. نتیجه این چرخه تکراری، کاهش بی‌دربی تولید، بی‌ثباتی برنامه‌ریزی صنعتی و برهم خوردن تعادل عرضه در بازار است.

در ساختار صنعتی کشور، صنایع بالادستی نقشی کلیدی در حرکت زنجیره تولید دارند. فولاد، پتروشیمی، سیمان و سایر صنایع پایه، نه تنها در تأمین بازار داخلی بلکه در صادرات غیرنفتی نیز جایگاه تعیین‌کننده‌ای دارند. گاز طبیعی در این صنایع صرفاً یک سوخت نیست، بلکه در بسیاری از فرآیندها نقش خوراک و ماده اولیه را ایفا می‌کند. به همین دلیل، محدودیت گاز در این بخش‌ها، اثر دومپونوی برده‌ها صنعت پایین‌دستی بر جای می‌گذارد. برخی واحدهای فولادی در روزهای اخیر با کاهش پلکانی سهمیه گاز مواجه شده‌اند؛ روندی که از افت محدود آغاز و در مدت کوتاهی به کاهش‌های سنگین منتهی شده است. این نوع اعمال محدودیت، عملاً امکان تطبیق تدریجی خطوط تولید با شرایط جدید را از واحدها سلب کرده و موجب توقف‌های ناگهانی، افت راندمان و افزایش ضایعات شده است. در شهرک‌های صنعتی نیز وضعیت کم‌فشار شدن گاز، بسیاری از خطوط تولید کوچک و متوسط را با مشکل روشن نگه داشته که کوره‌ها و تجهیزات حرارتی مواجه کرده است.

کشور	سهام صنعت از مصرف کل گاز	سهام خانگی و تجاری	سهام نیروگاهی
ایران	۲۴ درصد در شرایط عادی / ۲۰ درصد در اوج زمستان	تا ۸۰ درصد	وابسته به محدودیت
آلمان	۴۰ درصد	۳۰ درصد	۳۰ درصد
چین	۳۵ درصد	۲۰ درصد	۴۵ درصد
ترکیه	۳۸ درصد	۳۵ درصد	۲۷ درصد

#### تکرار یک الگوی ناترازی

آتجه امروز در حوزه گاز در حال وقوع است، شباهت زیادی با تجربه تابستان دارد؛ زمانی که برای مدیریت ناترازی شبکه برق، نخستین ابزار، محدودسازی مصرف صنایع بود. آن تصمیم، به افت چشمگیر تولید برخی محصولات، کاهش عرضه در بازار و ایجاد التهاب قیمتی منجر شد. اکنون، با ورود به نیمه دوم سال، همان منطق مدیریت بحران، این بار در حوزه گاز در حال اجراست؛ انتقال بار ناترازی به شانه صنعت. این در حالی است که صنعت، بخشی از موتور تولید ثروت و اشتغال محسوب می‌شود و هر ساعت توقف خطوط تولید، مستقیماً به کاهش ارزش افزوده و درآمد ملی منجر می‌شود و این یعنی افزایش بیشتر نرخ ارز. استمرار این رویکرد به‌طور قطع، می‌تواند چالش جدی را برای تأمین کالا ایجاد کند.

بررسی داده‌های رسمی مصرف گاز در بازه زمانی ۱۷ تا ۲۳ آبان، تصویر روشنی از نحوه توزیع مصرف در بخش‌های مختلف ارائه می‌دهد. در این بازه زمانی، مجموع مصرف گاز در سه بخش نیروگاه‌ها، صنایع عمده و خانگی، تجاری، صنایع جزء، بیش از ۵ میلیارد و ۲۳۳ میلیون مترمکعب بوده است. سهم بخش خانگی، تجاری و صنایع کوچک با حدود ۲ میلیارد و ۷۲۶ میلیون مترمکعب، در رتبه نخست قرار داشته و صنایع عمده و نیروگاه‌ها در رده‌های بعدی جای گرفته‌اند.

به تفکیک روزانه، مصرف نیروگاه‌ها در این بازه بین حدود ۱ تا ۱۷۹ میلیون مترمکعب در نوسان بوده و صنایع عمده نیز به‌طور میانگین نزدیک به ۱۷۰ میلیون مترمکعب در روز گاز دریافت کرده‌اند. در مقابل، مصرف بخش خانگی و تجاری از حدود ۳۸۱ میلیون مترمکعب در ابتدای بازه، به بیش از ۴۰۰ میلیون مترمکعب در میانه هفته رسیده و سپس اندکی کاهش یافته است. میانگین هفتگی نشان می‌دهد روزانه بیش از ۳۸۹ میلیون مترمکعب گاز صرف مصرف خانگی و تجاری شده است؛ رقمی که بیش از دوبرابر مصرف صنایع عمده، تصویر کلی این آمار، را یک تغییر تدریجی حکایت دارد؛ تغییری که هم‌زمان با سردتر شدن هوا شدت گرفته و فشار بیشتری را به بخش تولید منتقل کرده

را نیز تحت فشار قرار می‌دهد. بسیاری از قراردادهای صادراتی

این صنایع مبتنی بر تحویل مستمر و زمان بندی شده است و وقفه‌های ناگهانی، به‌از دست رفتن بازارهای منطقه‌ای منجر می‌شود؛ بازارهایی که بازپس‌گیری آن‌ها در شرایط رقابتی فعلی، بسیار دشوار است. این صحبت‌ها گلايه‌های است که اعضای اتاق بازرگانی بارهای ماه‌های اخیر عنوان کردند. از سوی دیگر، افت تولید در صنایع بالادستی، بلافاصله خود را در صنایع پایین‌دستی نشان می‌دهد. وقتی فولاد یا محصولات پتروشیمی کاهش عرضه داشته باشند، ده‌ها صنعت وابسته از جمله خودروسازی، لوازم خانگی، ساختمان و بسته‌بندی نیز با کمبود مواد اولیه و افزایش قیمت مواجه می‌شوند. این زنجیره فشار، در نهایت به مصرف‌کننده نهایی منتقل می‌شود. مقایسه‌ای میان سهم مصرف گاز در بخش صنعت در چند کشور نشان می‌دهد در بسیاری از اقتصادهای صنعتی، سهم بخش نیروگاهی از گاز بالاست و کشورهای مختلف تلاش کرده‌اند با تنوع بخشی به سید انرژی، فشار زمستانی را میان بخش‌ها تقسیم کنند. در مقابل، تمرکز شدید مصرف‌خانگی در کشورمان در ماه‌های سرد، ناترازی شدیدی ایجاد می‌کند که تبعات آن مستقیماً بر صنعت تحمیل می‌شود. سهم صنعت کشورمان از مصرف گاز در شرایط عادی حدود ۳۴ درصد است اما در اوج زمستان به حدود ۲۰ درصد سقوط می‌کند، در حالی که بخش خانگی و تجاری تا نزدیکی ۸۰ درصد کل گاز را مصرف می‌کند. در مقابل، در کشورهایی مانند آلمان با سهم حدود ۴۰ درصدی صنعت، آمریکا با حدود ۳۰ درصد، چین با حدود ۳۵ درصد و ترکیه با نزدیک به ۳۸ درصد، توزیع مصرف متعادل‌تر است و بخش نیروگاهی نیز با سهم ۲۷ تا ۲۵ درصدی نقش پررنگی در مدیریت بار را بر عهده دارد؛ مقایسه‌ای که نشان می‌دهد فشار ناترازی انرژی در کشورمان به مراتب سنگین‌تر بر دوش بخش تولید قرار می‌گیرد.

#### شهرک‌های صنعتی: خط مقدم بحران شدند

گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد در برخی شهرک‌های صنعتی، گاز به‌طور کامل قطع شده و در برخی دیگر، فشار به حدی کاهش یافته که امکان فعالیت پایدار وجود ندارد. واحدهای کوچک و متوسط که برخلاف صنایع بزرگ از زیرساخت سوخت جایگزین برخوردار نیستند، بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند. بسیاری از این بنگاه‌ها توان تحمل توقف‌های چندروزه یا چندبهاره را ندارند و هر هفته، به زان انباشته و مشکل نقدینگی آن‌ها دامان می‌زند. در این میان، واحدهایی مانند آلمان با سهم حدود ۴۰ درصدی جایگزین شده‌اند؛ تصمیمی که هزینه تولید را به شدت افزایش می‌دهد و پیامدهای زیست‌محیطی نیز در پی دارد. افزایش مصرف گازوئیل و مازوت در واحدهای صنعتی و نیروگاه‌ها، علاوه بر فشار مضاعف بر شبکه توزیع سوخت مایع، چالش آلودگی هوا را نیز تشدید می‌کند.

اعمال و تشدید محدودیت‌های گاز در فاصله کوتاه، آن هم در شرایطی که پیش‌تر سیگنال‌هایی از عدم اعمال محدودیت بر صنایع داده شده بود، یک پیام روشن برای فعالان اقتصادی دارد و آن بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری انرژی است. بنگاه‌هایی که نمی‌دانند در هفته یا ماه آینده با چه میزان انرژی روبه‌رو هستند، یا چارند با تولید یا به‌صورت محافظه‌کارانه تنظیم‌کنند یا ریسک توقف‌های ناگهانی را بپذیرند. هم‌زمان تجربه قطع برق در تابستان و محدودیت گاز در پاییز و زمستان، این تصور را تقویت کرده که صنعت در تمام طول سال، با ریسک دائمی انرژی مواجه است؛ ریسکی که هزینه آن نه تنها متوجه بنگاه‌ها بلکه متوجه کل اقتصاد خواهد بود. بر این اساس صحبت‌های رئیس جمهور و وعده اینکه گاز صنایع قطع نخواهد شد، به هیچ عنوان اجرایی نشده است و وزیر نفت ترجیح داده برای تنظیم گاز، کلید قطع گاز صنایع پایه، پیامدهای خود را به سرعت در

بازار نشان می‌دهد. وقتی عرضه کاهش پیدا می‌کند، حتی در صورت ثبات تقاضا، زمینه برای نوسانات قیمتی فراهم می‌شود. تجربه سه‌سال‌های گذشته نشان داده هر بار که محدودیت انرژی بر صنایع تحمیل شده، بازار مصالح ساختمانی، محصولات فلزی و برخی کالاهای واسطه‌ای دچار چالش و گرانی شده است. این التهاب، به‌طور مستقیم به افزایش هزینه‌های ساخت‌وساز، پروژه‌های عمرانی و تولید صنعتی منجر شده و اثرآن در نهایت به سطح عمومی قیمت‌ها سرایت کرده است.

کشور	سهام صنعت از مصرف کل گاز	سهام خانگی و تجاری	سهام نیروگاهی
ایران	۲۴ درصد در شرایط عادی / ۲۰ درصد در اوج زمستان	تا ۸۰ درصد	وابسته به محدودیت
آلمان	۴۰ درصد	۳۰ درصد	۳۰ درصد
چین	۳۵ درصد	۲۰ درصد	۴۵ درصد
ترکیه	۳۸ درصد	۳۵ درصد	۲۷ درصد

است. این در حالی است که بخش نیروگاهی نیز به شدت به گاز متکی است و بیش از چهارپنجم سید انرژی آن را گاز تشکیل می‌دهد؛ به عبارت دیگر، هر محدودیت در گاز، به‌طور غیرمستقیم امنیت تولید برق را نیز تهدید می‌کند.

#### شکاف میان عدد و واقعیت در مصرف گاز

در محاسبات کلان، سهم صنعت از گاز کشور حدود یک‌سوم کل تولید برآورد می‌شود و نیروگاه‌ها نیز سهمی مشابه دارند. در مقابل، بخش خانگی و تجاری نزدیک به یک‌چهارم گاز تولیدی را مصرف می‌کند؛ اما در شرایط اوج مصرف زمستانی، این نسبت به شدت تغییری کند و تا حدود ۸۰ درصد گاز تولیدی به سمت مصرف خانگی و تجاری سوق داده می‌شود؛ یعنی تنها حدود ۲۰ درصد از گاز تولیدی برای صنعت و نیروگاه‌ها باقی می‌ماند؛ رقمی که به‌وضوح پاسخگوی نیاز تولید نیست. این جابه‌جایی فصلی سهم مصرف، ریشه در ساختار سید انرژی کشور دارد؛ ساختاری که بیش از ۷۰ درصد آن به گاز متکی است. وابستگی شدید نیروگاه‌ها، صنایع و حتی بخش حمل‌ونقل به گاز، سبب شده هرگونه ناترازی در این حمل

انرژی، به سرعت به یک بحران تبدیل شود.

**فشار ناترازی انرژی بر دوش بخش نوید است**
اعمال محدودیت گاز در صنایع بالادستی، نخستین اثر خود را در افت تیراژ تولید نشان می‌دهد. فولاد، سیمان، شیشه، کاشی و محصولات پتروشیمی، همگی به شدت وابسته به گاز هستند. مصرف صنایع پتروشیمی، همگی به شدت وابسته به گاز هستند. کاهش تولید این کالاها، علاوه بر آنکه نیاز بازار داخلی را با اختلال مواجه می‌کند، صادرات غیرنفتی

بهبود می‌دهد. در حالی که بخش‌های تولیدی در صنایع بالادستی، به‌طور میانگین نزدیک به ۱۷۰ میلیون مترمکعب در روز گاز دریافت کرده‌اند. در مقابل، مصرف بخش خانگی و تجاری از حدود ۳۸۱ میلیون مترمکعب در ابتدای بازه، به بیش از ۴۰۰ میلیون مترمکعب در میانه هفته رسیده و سپس اندکی کاهش یافته است. میانگین هفتگی نشان می‌دهد روزانه بیش از ۳۸۹ میلیون مترمکعب گاز صرف مصرف خانگی و تجاری شده است؛ رقمی که بیش از دوبرابر مصرف صنایع عمده، تصویر کلی این آمار، را یک تغییر تدریجی حکایت دارد؛ تغییری که هم‌زمان با سردتر شدن هوا شدت گرفته و فشار بیشتری را به بخش تولید منتقل کرده

بهبود می‌دهد. در حالی که بخش‌های تولیدی در صنایع بالادستی، به‌طور میانگین نزدیک به ۱۷۰ میلیون مترمکعب در روز گاز دریافت کرده‌اند. در مقابل، مصرف بخش خانگی و تجاری از حدود ۳۸۱ میلیون مترمکعب در ابتدای بازه، به بیش از ۴۰۰ میلیون مترمکعب در میانه هفته رسیده و سپس اندکی کاهش یافته است. میانگین هفتگی نشان می‌دهد روزانه بیش از ۳۸۹ میلیون مترمکعب گاز صرف مصرف خانگی و تجاری شده است؛ رقمی که بیش از دوبرابر مصرف صنایع عمده، تصویر کلی این آمار، را یک تغییر تدریجی حکایت دارد؛ تغییری که هم‌زمان با سردتر شدن هوا شدت گرفته و فشار بیشتری را به بخش تولید منتقل کرده

## هیاهوی اصلاح‌طلبان برای بودجه ۵، ۵ درصدی نهادهای دینی

به محوره‌های خبری که این چالش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد باید مورد نظر قرار بگیرند. با حذف ۴۰ همت و بی‌توجهی به ریخت‌وپاش شرکت‌های دولتی بودجه اصلاح می‌شود؛ فیم دقیق برخی رسانه‌های جریان اصلاحات از مشکلات بودجه‌ای دولت! در یکی از گزارش‌هایی که اخیراً منتشر شده است، تأکید شده است که اعتبارات حوزه دین از ۲۳ هزار میلیارد تومان در سال گذشته به ۴۰ هزار میلیارد تومان در ۱۴۰۴ رسیده است، در این بین هیچ مقایسه‌ای بین بودجه این نهادها و سایر بخش‌های بودجه نمی‌شود، حتی مقایسه‌ای بین این عدد و کسری تراز عملیاتی بودجه که در ابتدای این گزارش به آن اشاره شده بود نیز نمی‌شود. کل بودجه کشور در سال ۱۴۰۴ که شامل بودجه عمومی و بودجه شرکت‌ها است، برابر ۱۱٫۲ هزار هزار میلیارد تومان است. با توجه به این عدد بودجه دینی کمتر از نیم درصد از کل بودجه کشور را شامل می‌شود، فقط بودجه شرکت‌های دولتی در سال جاری بیش از ۶۳۷۷ هزار میلیارد تومان است، از سوی دیگر کسری تراز عملیاتی نیز برابر یک هزار و ۸۰۵ هزار میلیارد تومان است، در مقایسه با این عدد نیز بودجه دینی حدود ۲٫۲ درصد است.

حال سؤال این است؛ با حذف کامل بودجه

نهادهای دینی و مذهبی که ۲٫۲ درصد کسری تراز عملیاتی است، آیا مشکلات بودجه کشور حل می‌شود؟
**اصلاح ساختار بودجه در انتظار اصلاح ساختار مالیات و بودجه‌ریزی عملیاتی است نه حذف بودجه نهادهای مذهبی**
حال و پا در نظر گرفتن این شرایط مطرح کردن بودجه نهادهای فرهنگی و مذهبی که به ادعای خود این رسانه‌ها کمتر از نیم درصد بودجه کل کشور را شامل می‌شود، چه معنایی دارد؟



چه انگیزه‌ای برای پرداختن به آن وجود دارد؟ آیا واقعاً فهم این بزرگواران از مسائل اولویت‌دار بودجه کشور در همین سطح است؟

آیا مسائل اساسی «اصلاح ساختار بودجه» کشور شامل افزایش سهم مالیات و کاهش وابستگی به نفت در سمت منابع و اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی در سمت مصارف است، یا حذف بودجه نهادهای فرهنگی، مذهبی؟

برداشتن به چنین مواردی هرچند تنها برای دیده شدن باشد موجب انحراف از مشکلات

اصول نظام اقتصادی و نوعی خیانت است، قطعاً باید به دنبال شفافیت بود، قطعاً باید به دنبال سسختگیری در نتایج تخصیص بودجه دولت در هر بخش و نهادی بود؛ اما بهتر نیست به جای پرداختن به برخی حوزه‌ها با سهم تا این حد ناچیز توجه بیشتری به بودجه عظیم شرکت‌های دولتی، نتایج عملکردی، ریخت‌وپاش‌های بعضاً رسانه‌ای و حقوق‌های نجومی آنها داشت؟



### تبعات قانونی شدن کولبری و ته‌لنجی

❗ با قانونی شدن کولبری و ته‌لنجی لوازم خانگی ، حجم کالاها در بازار افزایش یافته، اما بسیاری از آنها فاقد گارانتی و خدمات پس از فروش هستند و خریداران را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده‌اند.

در سال ۱۴۰۳، موضوع کولبری و ته‌لنجی برای واردات لوازم خانگی به قانون تبدیل شد؛ تصمیمی که بسیاری از کارشناسان اقتصادی آن را نادرست می‌دانند و هشدار داده بودند پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد و امنیت کشور به دنبال خواهد داشت. با وجود مخالفت کارشناسان و نگرانی‌ها، این قانون بدون بررسی‌های کافی تصویب شد و اکنون تبعات آن در بازار و صنایع داخلی قابل مشاهده است. پس از قانونی شدن کولبری و ته‌لنجی، واردات لوازم خانگی به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. کم‌اظهاری در واردات و گستردگی مرزهای آبی باعث شده صد قاچاق به سختی انجام شود. تخمین‌ها نشان می‌دهد بیش از ۱۲ هزار لنج با ظرفیت هرکدام ۵۰تن در این بازار فعالیت می‌کنند و ارزش بازار را تا ۷ میلیارد دلار برآورده شده است. نکته مهم اینجاست بسیاری از این کالاها فاقد خدمات پس از فروش هستند و قطعات آن‌ها در دسترس نیست؛ موضوعی که می‌تواند مشکلات جدی برای خریداران ایجاد کند و اعتماد مصرف‌کنندگان به بازار لوازم خانگی را تحت تأثیر قرار دهد.

#### اصالت کالا و گارانتی را چگونه تشخیص دهید؟

برخی از کالاهای وارد شده با پرداخت تعرفه، ثبت در سامانه و دریافت کد شناسه و کد رهگیری دیگر «قاچاق» محسوب نمی‌شوند. مصرف‌کنندگان می‌توانند با شماره‌گیری ستاره ۴ ستاره ۷۷۷۷ مربع از اصالت و قانونی بودن کالا مطلع‌ش شوند. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که مسئله اصلی نه اصالت کالا بلکه گارانتی آن است. بسیاری از این لوازم خانگی فاقد خدمات پس از فروش اند و برخی شرکت‌ها با ایجاد دفاتر صوری، گارت گارانتی برای این کالاها می‌فروشند؛ گارت‌هایی که عملاً هیچ پشتوانه فنی یا قانونی ندارند. چون این اجناس از مسیر واردکننده رسمی وارد نشده‌اند، هیچ شبکه خدمات پس از فروش مشخصی ندارند و همین موضوع مشکلات جدی و هزینه‌های اضافی برای خریداران ایجاد می‌کند. با این وجود وقتی سری به بازار امین حضور می‌زنید پشت‌وبتیرین مغازه‌ها کالاهایی را می‌بینید که قبلاً واردات آنها ممنوع بود اما با استفاده از قانون ته‌لنجی به راحتی پشت‌وبتیرین مغازه‌ها آمده‌اند و با جدایت و تنوع مشتریان زیادی را جذب کرده‌اند.

واردات غیررسمی باعث شده سودجویان کالاهای تقلبی را با برندهای معتبر به فروش برسانند. در این شرایط نظارتی هم وجود ندارد که اصالت این کالاها را مورد بررسی قرار دهد. افزایش حجم واردات کالاها در حالی با سرعت انجام می‌شود که صنایع داخلی با مشکلات جدی مواجه‌اند؛ تولیدکنندگان مواد اولیه خود را ۲۰ تا ۳۰ درصد گران‌تر از بازار جهانی خریداری می‌کنند، بهای تمام‌شده تسهیلات بانکی به بیش از ۵۰ درصد رسیده و تخصیص ارز برای تولیدکنندگان کاهش یافته است. این وضعیت، در کنار قطعی مکرر برق و گاز، نشان می‌دهد آزادی‌سازی کولبری و ته‌لنجی به از دست رفتن بازار صنایع داخلی منجر شده است.



### دولت بجای انتقاد از گرانی خودرو بازار را مدیریت کند

❗ عضو هیات رئیسه کمیسیون صنایع و معادن مجلس، ضمن انتقاد از موضع گیری‌های اخیر معاون اول رئیس جمهور پیرامون وضعیت بازار خودرو، گفت: اگر قرار باشد معاون اول رئیس جمهور که مجری قانون است نیز منتقد وضعیت صنعت خودرو باشد قطعاً یک حرکت رو به جلو محسوب می‌شود که نتیجه‌ای نخواهد داشت.

علی حدادی در انتقاد به موضع‌گیری‌های اخیر معاون اول رئیس جمهور پیرامون وضعیت نامناسب بازار خودرو، گفت: همانطور که قانون مشخص کرده در بخش اول مجلس وظیفه قانون‌گذاری را بر عهده دارد در همین راستا بعد از ابلاغ قانون، دولت وظیفه اجرای آن را بر عهده دارد و در مرحله بعد مجلس بر روند اجرای قانون نظارت می‌کند. نماینده مردم ساوجبلاغ، نظرآباد، طالقان و چهارباغ در مجلس شورای اسلامی، ادامه داد: بحث اصلی این است که طی سال گذشته و امسال بخش مهم واردات خودرو چه خودروهای نورو چه کار کرده در جهت ایجاد توازن در سطح تولید و تقاضا به خوبی مدیریت نشده است. یکی از علت‌های اصلی که ما قانون واردات خودرو را تصویب کردیم ضرورت

کیفیت بخشی به خودروها بود که متأسفانه تاکنون محقق نشده است. حدادی خاطر نشان کرد: هم‌اکنون دولت نمی‌تواند در این بخش هم‌معمری و هم منتقد باشد و وظیفه دولت چه رئیس جمهور، چه معاون اول رئیس جمهور و چه وزارتخانه‌ها اجرای قانون است ضمن اینکه موظف هستند هم در بخش کیفیت خودروهایی که به مردم تحویل می‌دهند و هم واردات خودرو پاسخگو باشند که چرا تاکنون آنچه مصوبه مجلس بوده به طور کامل اجرا نشده است. وی افزود: در این مورد از یک طرف بانک مرکزی برای تخصیص ارز به واردات خودرو مسئولیت دارد، ازسوی دیگر وزارت صنعت، معدن و تجارت در فرآیند واردات مسئولیت دارد. این نماینده مردم در مجلس دوازدهم، یادآور شد: اگر قرار باشد معاون اول رئیس جمهور که وظیفه اجرای قانون را بر عهده دارد نیز در رابطه با وضعیت صنعت خودرو منتقد باشد قطعاً نتیجه‌ای نخواهد داشت. حدادی اظهار کرد: بی‌تردید تمام اختیارات و مسئولیت این بخش در دست دولت است بنابراین باید اجرای قانون را وظیفه خود بدانند و انگیزه وارده جدی بر حل مسائل و مشکلات مردم از جمله تولید خودرو و کیفیت آنها داشته باشد. وی افزود: البته بخشی از مشکلات حوزه تولید خودرو به بدهی‌های انباشته خودروسازان که به‌قطعه‌سازان دارند، برمی‌گردد حتی آقای وزیر بانک مرکزی درخواست کرده بود که دو تا مبلغ ۲۰ همت به خودروسازان بزرگ داده شود تا بتوانند مطالبه قطعه‌سازان را پرداخت کنند تا به کیفیت خودروها توجه شود، از سوی دیگر قیمت خودروها افزایش پیدا کنند.



# تخت گاز قیمت خودرو کسی نمی‌خواهد ترمز بازار را بکشد؟

## گزارش

❗ در حالی که بازار خودرو طی دو هفته اخیر با جهشی کم‌سابقه در قیمت‌ها مواجه شده و سه بخش داخلی، مونتاژی و وارداتی هم‌زمان دچار التهاب شده‌اند، نبود نظارت مؤثر و بی‌عملی وزارت صمت، میدان را برای دلالتان و واسطه‌ها باز گذاشته تا نبض قیمت‌گذاری را در اختیار بگیرند.

طی دو هفته اخیر، بازار خودرو در ایران دوباره وارد فاز التهاب شده است؛ افزایشی که فقط یک بخش از بازار را درگیر نکرده و در سه سطح خودروهای داخلی ، محصولات مونتاژی و مدل‌های وارداتی خودش را نشان می‌دهد. هرچند خودروهای داخلی و وارداتی سازوکار مخصوص به خود را دارد اما خروجی مشترک همه آنها برای مصرف‌کننده چیزی جز افزایش بی‌وقفه قیمت‌ها در دو هفته اخیر نبوده است.

بازار خودروهای داخلی یعنی ایران خودرو و سایپا-سال‌های زیادی است که با یک مشکل تکراری مواجه شده، آن هم کمبود تولید و تقاضا انباشته است. در این فضا قیمت کارخانه با قیمت بازار اختلاف جدی دارد و همین فاصله زمینه‌ساز فعالیت دلالتان را فراهم کرده است. در چنین وضعیتی مصرف‌کننده واقعی ناچار است به بازار آزاد مراجعه کند؛ بازاری که بدون مشکلات شفاف برای کشف قیمت و البته همیشه چند گام جلوتر از نرخ کارخانه است.

«قیمت خودرو در بازار آزاد دقیقاً تحت تأثیر کدام مؤلفه‌ها تعیین می‌شود؟» را پیش می‌کشد. در هفته‌های اخیر قیمت محصولات

## بازار طلای مجازی زیر تیغ قانون

❗ تب «خرید طلا با یک کلیک» دیگر به نقطه بحران رسیده است؛ صدها پلت‌فرم بدون پشتوانه با خالی‌فروشی و نوسان‌سازی مصنوعی، بازار فلزات گرانبها را به قمارخانه‌های مجازی تبدیل کرده‌اند و اکنون زیر تیغ نظارت قضایی قرار گرفته‌اند.

با ابلاغ دستورالعمل جدید دولت برای مهار خالی‌فروشی در پلتفرم‌های فروش آنلاین طلا، تب معاملات مجازی حالا از مرحله هشدار عبور کرده و وارد فاز «همنوئیت و برخورد قضایی» شده است.

پس از ماه‌ها هشدار درباره نابسامانی بازار طلای برخط، هیات وزیران با مصوبه‌ای صریح، خرید و فروش مجازی طلا و نقره را زیر ذره‌بین بانک مرکزی برده و سقف معاملات را محدود به موجودی واقعی خزانه کرده است؛ تصمیمی که به تعبیر برخی کارشناسان، آغاز پایان سوداگری بی‌پشتوانه در فضای مجازی طلاست. بازار مجازی طلا؛ زمین بازی بی‌قانونی و بی‌پشتوانه در طول دو سال گذشته و هم‌زمان با جهش شدید قیمت‌ها و تشدید نااطمینانی ارزی، صدها پلت‌فرم و اپلیکیشن شبه‌کارگزاری در فضای مجازی با شعارهایی فریبنده از جنس «سرمایه‌گذاری آسان بدون دردسر فیزیکی» پا گرفتند.

اما آنچه در عمل رخ داد، چیزی جز سنخسه دیجیتالی معامله در خلأ نبود؛ جایی‌که طلا نه در ویتترین، نه در خزانه، بلکه فقط در قالب عده‌های مجازی روی صفحه نمایش جایه‌جا می‌شود.

به گفته محمدصادق علی‌پور، کارشناس اقتصادی، این نوع معامله یعنی فقدان مالکیت واقعی و ملموس؛ سرمایه‌گذار در این سامانه‌ها در واقع خریدار هیچ کالایی نیست، بلکه فقط صاحب «یک عدد بی‌پشتوانه» است. علی‌پور هشدار می‌دهد: همین خلأ مالکیت، ریشه اصلی ریسک‌های حقوقی و مالی است که می‌تواند در نهایت به بحران اعتماد در بازار فلزات گرانبها منجر شود.

#### التهاب از دل خالی‌فروشی؛ الزروانی معاملات صوری

تب «خرید طلا با یک کلیک» حالا به مرحله خطرناک رسیده است. پلتفرم‌هایی که روزی خود را بازوی مدرن اقتصاد معرفی می‌کردند، امروز به یکی از منابع اصلی بی‌اعتمادی و التهاب قیمت در بازار تبدیل شده‌اند. اصل ماجرا ساده است: در بسیاری از این پلتفرم‌ها، طلا، اپلیکیشن‌ها و سایت‌های شبک و پربرز و برق، فضای



# تخت گاز قیمت خودرو

ایران خودرو و سایپا در بازار آزاد تقریباً ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش یافته است. برای نمونه مدل پرآید وانت در بازار آزاد به حدود ۵۲ میلیون تومان رسید. همچنین پژو ۲۰۷ T۱۵ مدل ۱۴۰۴ اکنون نزدیک یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان ارزش‌گذاری می‌شود. قیمت سون پلاس دوگانه‌سوز نیز در بازار آزاد به حدود یک میلیارد تومان رسیده است.

#### چرا قیمت خودروهای مونتاژی قابل پیش‌بینی نیست؟

خودروهای مونتاژی به واسطه اتکای جدی به قطعات وارداتی، بیش از سایر بخش‌های بازار در معرض نوسانات عوام‌بیل‌برونی قرار دارند. با وجود اینکه شرکت‌های مونتاژکننده طی ماه‌های اخیر بارها از افزایش هزینه‌های تولید سخن گفته‌اند اما نبود شفافیت در صورت‌های مالی این شرکت‌ها موجب شده ارزیابی دقیقی از سهم واقعی هزینه‌ها در قیمت نهایی امکان‌پذیر نباشد.

در دوره‌های نوسانی، محصولات مونتاژی معمولاً بیشترین جهش قیمتی را تجربه می‌کنند. دلیل آن نیز به ترکیبی از حاشیه سود بالایی شرکت‌های عرضه‌کننده و حساسیت بیش از اندازه بازار به کوچک‌ترین تغییرات نرخ ارز بازمی‌گردد، در حالی که ارز مورد نیاز این بخش عمدتاً از مسیر مرکز مبادله تأمین می‌شود. این واکنش عراقی‌آمیز، نه فقط روند قیمت‌گذاری را از منطق اقتصادی دور می‌کند، بلکه موجب تشدید بی‌انتظارات تورمی و بی‌ثباتی بیشتر در بازار خودرو می‌شود.

#### خودروهای وارداتی؛ بازاری که هیچ وقت قیمت واقعی نداشته

واردات خودرو پس از سال‌ها توقف با وعده کنترل قیمت و افزایش

دهند و همان نرخ‌ها را به سرعت در سطح بازار بازنشر کنند. هرچند دلالتان بازیگران فعال صحنه هستند اما قدرتی که در تعیین قیمت پیدا کرده‌اند، مستقیماً ناشی از بی‌عملی و ضعف سیاست‌گذاری در وزارت صمت است؛ وضعیتی که میدان را برای فعالیت واسطه‌ها باز گذاشته است.

دلالتان همواره افزایش نرخ دلار را به عنوان دلیل اصلی رشد قیمت خودرو در بازار آزاد مطرح می‌کنند اما این استدلال با واقعیت‌های اقتصادی همخوانی ندارد. در مورد خودروهای داخلی، بخش عمده هزینه‌های تولید ماهیت ربالی دارد و نوسان نرخ ارز تأثیر فوری و تعیین‌کننده‌ای بر قیمت تمام‌شده این محصولات نمی‌گذارد.

در خصوص خودروهای مونتاژی و وارداتی نیز هرچند بخشی از هزینه‌ها ارزی است اما تأمین ارز از مسیر مرکز مبادله صورت می‌گیرد و ارتباط مستقیمی با نرخ‌های لحظه‌ای بازار آزاد ندارد؛ بنابراین استاندارد به دلار غیررسمی، توجیه قابل‌قبولی برای جهش قیمت‌ها محسوب نمی‌شود.

اتکای دلالتان به نرخ‌های بازار آزاد در واقع ابزاری برای ایجاد و تقویت انتظارات افزایشی در بازار است؛ انتظاراتی که نهایتاً به سود خود همین واسطه‌ها تمام می‌شود و زمینه تشدید التهاب قیمتی را فراهم می‌کند.

با وجود رشد مداوم قیمت‌ها در بازار خودرو، وزارت صعت، معدن و تجارت در سال‌های اخیر نقشی کم‌رنگ و عمدتاً واکنشی در مدیریت این بازار ایفا کرده است. این وزارتخانه از نظر قانونی ابزارهای متعددی برای تنظیم‌گری در اختیار دارد- از تعیین چارجوب عرضه خودروسازان گرفته تا نظارت بر شبکه فروش، ساماندهی معاملات و حتی اصلاح مسیر واردات. با این حال آنچه در عمل دیده می‌شود بیشتر نظرات حداقلی و فقدان یک راهبرد روشن برای کنترل بازار است.

یکی از مهم‌ترین کاستی‌ها، تمرکز وزارت صمت بر قیمت‌گذاری کارخانه‌ای و نادیده‌گرفتن بازار آزاد است. گرچه قیمت کارخانه‌ای تحت کنترل قرار دارد اما این کنترل هیچ تأثیری بر قیمت‌های واقعی بازار ندارد و فقط شفاف‌میان این دورا عمیق‌تر کرده است. در چنین وضعیتی، بازار آزاد بدون سیاست مشخص رها می‌شود و عملاً اختیار تعیین قیمت به دلالتان و واسطه‌ها واگذار می‌گردد. از سوی دیگر انبام در برنامه‌ریزی تولید نبود سازوکار دقیق برای هماهنگی عرضه با نیاز بازار، موجب می‌شود تقاضای انباشته همچنان پابرجا بماند و هر موج روانی یا اقتصادی، به سرعت به

افزایش قیمت منجر شود. وزارت صمت در برابر این وضعیت نیز اقدامی ملموس ارائه نکرده و عملاً به انتشار بخشنامه‌ها و وعده‌های اصلاحی بسنده کرده است.

در حوزه واردات نیز شرایط تفاوت چندانی ندارد. طرح‌های وارداتی بدون اینکه حجم موثری از خودرو وارد کشور شود، اجرا شده و نه فقط رقابت ایجاد نکرده، بلکه بسا پیچیدگی‌های اداری و محدودیت‌های تعرفه‌ای، اثرگذاری این ابزار تنظیم‌گری به حداقل رسیده است. در واقع، واردات قرار بود سوپاپ اطمینانی برای کنترل قیمت باشد اما اکنون تنها یک عنوان بی‌اثر در مدیریت بازار تلقی می‌شود. در نهایت وزارت صمت عملاً به جای مهار بازار، به نظاره‌گر آن تبدیل شده؛ وضعیتی که نه برای مصرف‌کننده قابل‌قبول است و نه برای ثبات بلندمدت بازار.



درگیر معاملاتی شوند که ماهیت حقوقی‌شان مبهم است، سودها روی صفحه شکل می‌گیرند و ضررها در واقعیت پرداخت می‌شوند. **دولت در نقش آتش‌نشان؛ برخورد دیر هنگام اما تاگزیر** پس از موج تخلفات و گزارش‌های متعدد رسانه‌ای، دولت ناچار شد با مصوبه صریح هیات وزیران دستور بانک مرکزی وارد عمل شود. طبق «دستورالعمل اجرایی خرید و فروش برخط طلا و نقره» که در ۱۴ آبان‌امسال ابلاغ شد، فروش فقط تا سقف موجودی واقعی خزانه مجاز است و هر پلت‌فرم فاقد مجوز، به‌طور رسمی متخلف محسوب خواهد شد.

مصوبه اگرچه ضروری است، اما دیر هنگام به نظر می‌رسد. سسال‌ها بی‌عملی در نظارت، اجازه داد سامانه‌های شبه‌بورسی، گردش مالی چند هزار میلیاردی بدون مالیات و بدون پشتوانه ایجاد کنند. اکنون دولت تازه زمانی وارد میدان شده که اعتماد مردم آسیب دیده و بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌ها در معرض خطر است.

حتی در متن مصوبه نیز تأکید شده که هیچ تضمینی از سوی دولت برای معاملات صادر نشده است، ریسک معامله همچنان به عهده مردم است. **مفاد اصلی دستورالعمل تازه** بر اساس مصوبه هیات وزیران که با پیشنهاد دادستانی کل کشور و استاندارد به ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تدوین شده است، معاملات طلای مجازی برای نخستین بار زیر نظارت مشترک بانک مرکزی و سامانه جامع تجارت قرار می‌گیرد.

قیمت داده است و حالا دولت می‌گوید این بازی باید متوقف شود.

**آزمون جدی بانک مرکزی؛ راستی‌آزمایی اعتماد عمومی** کارشناسان تصریح می‌کنند که ورود بانک مرکزی به این عرصه اگر با جدیت و نظارت فنی دنبال شود، می‌تواند جلوی تخلفات مالی، پولشویی و نوسان‌سازی مصنوعی را بگیرد. اما اگر این پولشور فقط در حد صدور بخشنامه بماند، خطر بزرگ‌تر در راه است؛ زیرا بخش زیادی از کاربران به‌واسطه تبلیغات سنگین همچنان از طریق سکوها ی بدون مجوز معامله می‌کنند.

بانک مرکزی باید منشأ هر تراکنش را راستی‌آزمایی کند؛ نه تنها پشتوانه طلا محل پول و مقصد آن را نیز رصد کند تا گردش نقدینگی مشکوک و معاملات صوری جمع شود، در غیر این صورت، مصوبه به کاغذی بی‌اثر تبدیل خواهد شد.

برخی بندهای کلیدی این مصوبه عبارتند از: هیچ معامله‌ای فراتر از موزمجان واقعی خزانه مجاز نیست؛ فعالیت بدون مجوز بانک مرکزی یا وزارت صمت تخلف محسوب می‌شود؛ احراز هویت کامل ششست‌رئان و تطبیق لحظه‌ای تراکنش‌ها ال‌الزامی است؛ کیف‌پول‌های دیجیتالی فقط با مجوز بانک مرکزی قابل استفاده‌اند؛

تحویل طلای فیزیکی یا سپرده‌گذاری آن نزد خزانه باید حداکثر ظرف ۷ روز انجام شود؛

و برای نخستین بار کارگروھی مشکل از بانک مرکزی، وزارت صمت، فراجا، تعزیرات، قوه قضائیه و ستاد مبارزه با قاچاق مأمور پیگیری تخلفات شده است. **بایامد خلأ سالی‌های نظارتی؛ طلایی که فقط روی صفحه است** واقعیت این است که این دستورالعمل دیرتر از موعد آمد. اگر سامانه ناظر و موجودی‌ها از ابتدا وجود داشت، امروز شاهد شکل‌گیری بازار طلاهای خیالی با گردش مالی چند هزار میلیاردی نبودیم. در برخی روزها، حجم تراکنش‌های مجازی از معاملات روزانه صنف طلا و جواهر سراسر کشور پیشی گرفته، بی‌آنکه حتی یک گرم طلای واقعی در انبار جایه‌جا شده، در این میان، مردم تبدیل به سرمایه‌گذارانی بی‌پناه شدند؛ خریداران اعداد طلایی، بدون ضمانت و بدون دسترسی فیزیکی به دارایی خود. مفهوم سرمایه‌گذاری جای خود را به قمار بانوسان